■ تا وقتی تعهدی نسبت به نهج‌البلاغه و دستورات امیرالمومنین نباشد، مشکلات ما حل نمی‌شود و کارهای‌مان سامان نمی‌پذیرد
■ دستورات امام در نهج‌البلاغه باید از طریق قانونگذاری وارد چرخه اجرا شود

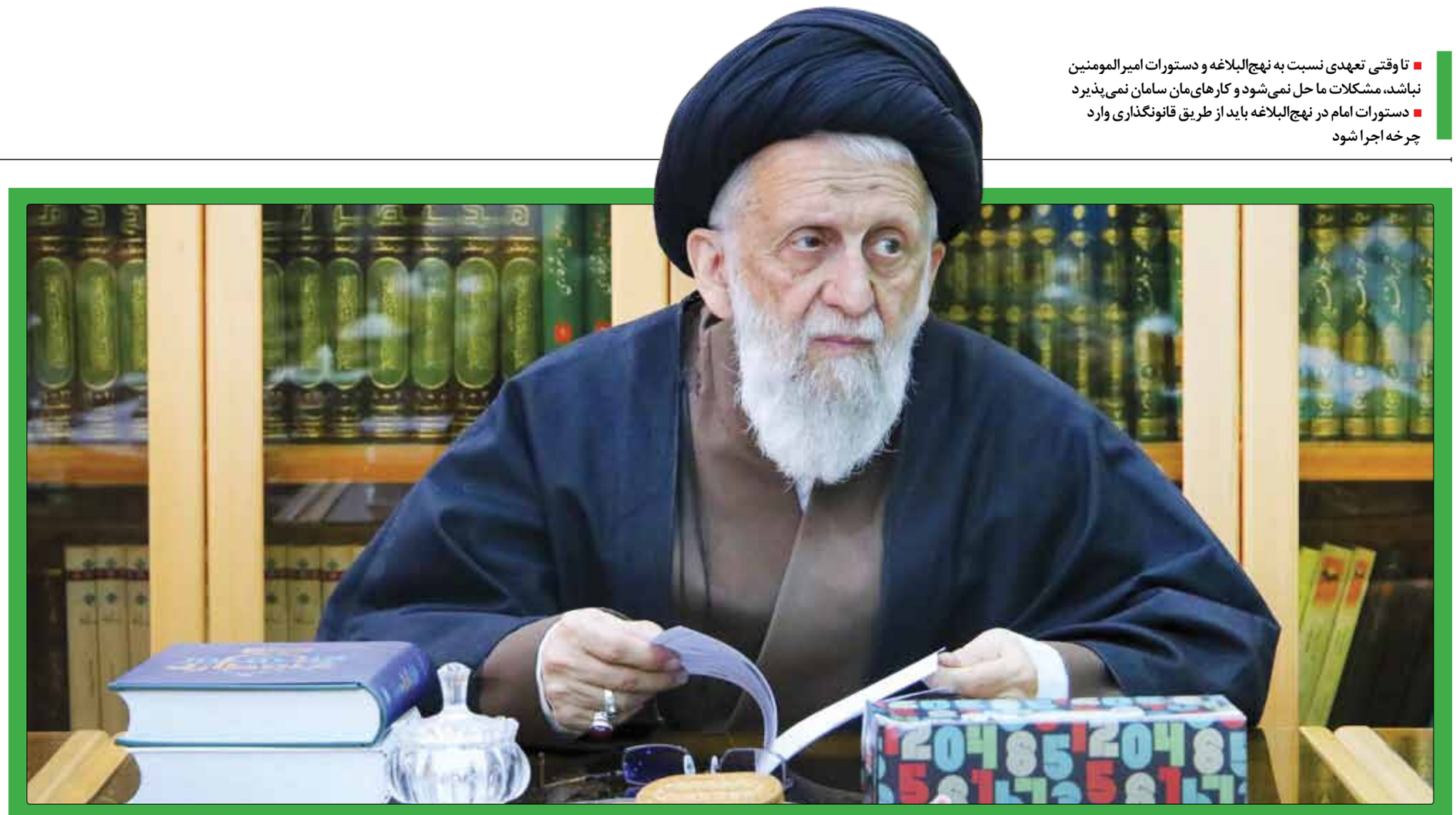

۳ عنصر حکمرانی علوی در گفت‌وگو با آیت‌الله سیدجمال‌الدین دین‌پرور، رئیس بنیاد بین‌المللی نهج‌البلاغه

پرکاری، کارآمدی و پاکدستی

اشکان صدیق
روزنامه‌نگار

طلیعه شب‌های قدر، گره خورده است با طلوع نام مبارک امیرمومنان؛ ابرمردی که از مطلع فجر نخستین شب از شب‌های قدر به دست اشقی‌الاشقیا فرق مبارکش شکافته شد و گویی تجسم آن آیه قرآن شد که فرمود: انشق‌القمر. پیوند حال و هوای معنوی ماه رمضان با داغ شدن مباحث انتخاباتی در کشور، ما را بر آن داشت در گفت‌وگویی با آیت‌الله «سیدجمال‌الدین دین‌پرور»، رئیس بنیاد بین‌المللی نهج‌البلاغه نگاهی گذرا و اجمالی داشته باشیم به سیره حکومتی امیرمومنان و استخراج تصویری کلی از سیمای حکمران تراز جامعه اسلامی بر اساس سیره آن حضرت.

■ حضرت آیت‌الله دین‌پرور! نخستین سوال بنده از شما این است که از منظر امیرالمومنین آنچنان که از نهج‌البلاغه می‌توان فهمید، حاکم تراز جامعه اسلامی چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟

قبل از اینکه به سوال شما جواب بدهم لازم است نکته‌ای را متذکر شوم. ماه مبارک رمضان علاوه بر اینکه ماه خدا و عبادت است، ماه امیرالمومنین نیز هست، لذا ما باید در این ماه توجه ویژه‌ای به حضرت امیرالمومنین کنیم و مهم‌تر از همه اینکه حضرت علی الگویی برای حاکمان و مسؤولان ما هستند. اگر ویژگی‌های حکمرانی امیرالمومنین را احصا کنیم و مسؤولان ما به این روش پایبند باشند و بتوانند مسؤولیت‌های خودشان را بر اساس این ویژگی‌ها انجام دهند، قطعا تحولات شگرفی در جامعه رخ خواهد داد.

حاکمان تراز یک جامعه اسلامی از لحاظ اعتقادی، عملی، مدیریت و توانایی، اخلاقی و خودسازی باید ویژگی‌هایی داشته باشند. از نظر اعتقادی که عرض کردم یعنی یک کارگزار و حاکم اسلامی باید در مرحله اولیه اعتقاد عمیقی به مبانی دینی و اخروی داشته باشد. امام علی در نامه ۲۱ به یکی از کارگزاران خویش می‌نویسند: فَدَعِ الْإِسْرَافَ مُقْتَصِداً وَ اذْكُرْ فِي الْيَوْمِ غَداً؛ از اسراف جلوگیری کن و از امروز به فکر فردا و معاد باش. ببینید! یعنی فکر خدا و فکر روز قیامت نقش مهمی در روحیه حاکم اسلامی و مدیریت او دارد. در ادامه می‌فرمایند: أَمْسِكْ مِنَ الْمَالِ بِقَدْرِ ضَرُورَتِكَ وَ قَدِّمِ الْفَضْلَ لِيَوْمِ حَاجَتِكَ؛ از مال به اندازه ضرورت استفاده کن و زیادی آن را برای روزی که نیاز داری بگذار، یعنی روز قیامت. پس یکی از ویژگی‌های ضروری حاکم تراز جامعه اسلامی از منظر حضرت علی این است که به مبانی اعتقادی باور داشته باشد.

یکی دیگر از ویژگی‌های حاکم تراز یک جامعه اسلامی، کارآمدی و مدیریت است. باید بدون گروه‌گرایی و قبیله‌گرایی مدیریت کند. با توجه به اهمیت این خصوصیات برای مدیران ارشد اسلامی، به نظر می‌رسد همانند دانشگاه تربیت معلم، باید یک دانشگاه تربیت مدیر و حکمران در تراز حکمرانی بر یک جامعه اسلامی نیز تاسیس کنیم. مدیرانی که قرار است سرنوشت این کشور را در دست بگیرند، باید دارای صلاحیت باشند و ما اینها را برای مدیریت و حکومت تربیت و آماده کرده باشیم. این نکته مهمی است.

■ اشاره کردید به ممنوعیت اسراف برای حاکم اسلامی؛ در همین زمینه گزارشی از برخورد حضرت امیر با اسراف و بریز و بپاش مسؤولان حکومت در نهج‌البلاغه داریم، لطفا این موضوع را کمی برای ما بیشتر شرح دهید؟

بله! مفصل از این گزارش‌ها داریم. یک نمونه آن در نامه ۴۵ امام علی به عثمان بن حنیف است. عثمان بن حنیف یکی از دوستان و شیعیان امام بود. وقتی عثمان حاکم بصره می‌شود، یک میهمانی تشکیل می‌دهد و در این میهمانی فقط از اشراف و متمولان شهر دعوت می‌کند. در این میهمانی انواع و اقسام غذاها را تدارک دیده بود و از مرز ساده‌زیستی خارج شد. در این میهمانی خلاف شرعی و گناهی اتفاق نیفتاده بود ولی کسی که در حکومت اسلامی و علوی مسؤولیتی را به عهده می‌گیرد، انتظار بیشتری از او می‌رود و باید جهات دیگری را رعایت کند. امام در نامه ۴۵ از عثمان انتقاد می‌کنند و می‌گویند: ای پسر حنیف! به من خبر رسیده است مردی از جوانان و سرشناسان بصره تو را به سفره‌ای خوانده است و تو به آنجا شتافته‌ای و او غذاهای رنگارنگ و مخصوص برای تو فراهم کرده و کاسه‌ها را یکی از پس از دیگری پیش روی تو نهاده. اشکال امام به عثمان این است: من گمان نمی‌کردم بر سر سفره گروهی حاضر بشوی که به نیازمندان جفا می‌کنند و از در خانه‌های‌شان می‌رانند و فقط ثروتمندان را به میهمانی بخوانند. ببینید! امام می‌فرمایند این برای من خیلی عجیب است که چرا از سفره‌ای می‌خوری که نمی‌دانی از کجاست و با چه انگیزه‌ای تو را به آن دعوت کرده‌اند. فقط آنچه را که یقین داری پاک و بی‌شائبه است استفاده کن. بنا بر این امام اینگونه کارگزار خودشان را تربیت می‌کنند. امام یک جمله‌ای می‌گویند که این جمله برای پیروان‌شان و برای تاریخ بماند. امام می‌فرمایند من می‌دانم شما مثل من نمی‌توانید زندگی کنید. این زهد و تقوا و ساده‌زیستی که من دارم را شما نمی‌توانید داشته باشید ولی از حاکمان اسلامی انتظار دارم به ۴ نکته توجه کنند: «أَعِينُونِي بِوَرَعٍ وَ اجْتِهَادٍ وَ عِفَّةٍ وَ سُدَادٍ» این ۴ الگو را کارگزاران حکومت اسلامی باید سرمشق خود قرار دهند. در قدم اول حاکمان اسلامی باید دارای ورع باشند و مراقبت کنند که گرفتار حرام نشوند. دقت کنید حضرت نمی‌فرمایند گناه نکن، بلکه می‌فرمایند پیشاپیش مراقبت کن خود را از مواردی که ممکن است تو را به گناه بکشاند حفظ کنی. این خیلی مهم است. نکته دیگر اجتهاد است. پاکی و پاکدستی اگرچه بسیار مهم است ولی کافی نیست و پرکاری، پرتلاشی و کم نگذاشتن در کار شرط دوم حاکمیت اسلامی است. حاکم اسلامی در عین اینکه باید اهل ورع و تقوا باشد و دستش به گناه آلوده نشود، باید اهل تلاش و اجتهاد و جهاد باشد، باید برای انجام وظایفی که اسلام به او محول کرده است، شب و روز نشناسد. سومین مورد عفت است. یعنی چشمش عفت داشته باشد، بطن و فرجش عفت داشته باشد. علتش این است که افراد متعدد می‌آیند از طریق شهوات حاکم را گول بزنند و اگر حاکم اسلامی عفیف باشد، یک سد محکمی است در برابر این توطئه‌ها. و چهارمین مورد سداد است، یعنی کار را با راستی و درستی انجام دهد. حاکم اسلامی باید با تمام ظرفیت در خدمت مردم باشد نه اینکه کار از عهده خود خارج کند و به این و آن پاس بدهد. امام در این نامه نکته‌های مهمی فرموده‌اند که به معنی واقعی کلمه می‌تواند راهنمای مسؤولان حکومت اسلامی باشد.

■ سیره حضرت در همین ۴ موردی که فرمودید در دوران مسؤولیت کوتاه‌شان چگونه بود؟ برای مثال تقابل حضرت با همین توطئه‌ها و پیشنهادهای نامشروعی که بعضا به حضرت می‌شده، چگونه بوده است؟

این پیشنهادها در دوران حکومت ایشان بسیار زیاد است. یک کسی برای ایشان یک ظرف حلوایی می‌آورد، امام می‌فرمایند این چیست؟ او می‌گوید هدیه‌ای است از طرف من به شما. حضرت از او می‌پرسند تو این هدیه را به عنوان رشوه به من می‌دهی؟ آیا می‌خواهی به این واسطه سوءاستفاده بکنی؟ امام خیلی جملات عجیب و تکان‌دهنده‌ای به او می‌گویند. امام خیلی مراقب این برخوردها بودند و شخصا مقابله می‌کردند. یا مثلا عقیل یک کیلو گندم یا جوی اضافه از بیت‌المال از حضرت درخواست می‌کند. امام آنچه از اموال خود بود را انفاق می‌کردند ولی عقیل بیشتر از سهم خود را به واسطه برادری با خلیفه مسلمین از بیت‌المال طلب کرد. حضرت آهن داغی را نزدیک دست او می‌برند و عقیل فریاد می‌زند که برادر تو می‌خواهی مرا بسوزانی؟ ببینید این خیلی مهم است که یک حاکم اسلامی به این میزان دقت می‌کند که به هیچ‌کس حتی نزدیکانش اضافه بر سهمیه نمی‌دهد و اجازه نمی‌دهد کسی از بیت‌المال سوءاستفاده کند. وقتی خلیفه مسلمین و رئیس حکومت به این شکل رفتار کند، برای مدیران پایین‌دستی هم الگو می‌شود که به نفع آشنایان و نزدیکان خودشان از بیت‌المال سوءاستفاده نکنند.

■ اما درباره اجتهاد و سداد که اشاره فرمودید، لطفاً سیره خود حضرت را هم از جهت پرکاری و پرتلاشی برای ما ترسیم کنید.

یک خانمی به نام سوده همدانی که در قبیله همدان بوده، از همدان حرکت می‌کند به سمت کوفه و مرکز خلافت حضرت امیر تا از یک حاکمی پیش حضرت شکایت کند. می‌رسد به مسجد، می‌بیند حضرت می‌خواهند نماز بخوانند و در حال قامت بستن هستند. حضرت تا می‌بینند یک کسی آمده و کاری دارد، قامت نمی‌بندند و رو می‌کنند به این خانم و می‌فرمایند چه حاجت و نیازی داری؟ این خانم به حضرت می‌گوید این کسی که برای حکومت بر ما فرستادید به ما ظلم می‌کند و به عدالت حکومت نمی‌کند. حضرت وقتی متوجه می‌شوند گزارش و خبر این خانم معتبر و درست است، منتظر نمی‌مانند که اول نماز را بخوانند و بعد این مساله را پیگیری کنند، همان‌جا قلم و کاغذ می‌آورند و حکم عزل آن حاکم را صادر می‌کنند و حکم عزل را به دست همین خانمی که برای شکایت آمده بود می‌دهند تا به آن حاکم ابلاغ کند.

امام یک جمله‌ای می‌گویند که این جمله برای پیروان‌شان و برای تاریخ بماند. امام می‌فرمایند من می‌دانم شما مثل من نمی‌توانید زندگی کنید. این زهد و تقوا و ساده‌زیستی که من دارم را شما نمی‌توانید داشته باشید ولی از حاکمان اسلامی انتظار دارم به ۴ نکته توجه کنند: «أَعِينُونِي بِوَرَعٍ وَ اجْتِهَادٍ وَ عِفَّةٍ وَ سُدَادٍ»، پرهیزکاری، پرکاری، عفت و کار بر مبنای راستی و درستی، این ۴ الگو را کارگزاران حکومت اسلامی باید سرمشق خود قرار دهند

ما امروز در جامعه متاسفانه با این مشکل مواجهیم که کارهای اداری و قضایی ما به اندازه‌ای طولانی می‌شود که دیگر مردم از پیگیری مشکلات خودشان پشیمان می‌شوند. این بسیار پدیده نامطلوبی است و با حکومت امیرالمومنین اصلا سازگار نیست. سرعت و دقت در کارگزاری و رسیدگی به امور مردم و امروز و فردا نکردن و وقت مردم را تلف نکردن، اینها امور بسیار مهمی است. ما متاسفانه در ادارات‌مان این مشکل را به صورت جدی داریم و به نظر من لازم است به صورت واقعی یک انقلاب اداری شکل بگیرد. باید ادارات ما با ادارات قبل انقلاب تفاوت داشته باشد. مردم که به یک اداره‌ای مراجعه می‌کنند، نیازی به پارتی و آشنا نداشته باشند. کسی که در یک جایی مسؤول است، نباید شب و روز داشته باشد. یا مسؤولیتی را قبول نکند یا اگر قبول کرد باید شب و روز نداشته باشد و ساعات اداری برایش مطرح نباشد. باید به فکر کارگزاری و حل مشکلات مردم باشد و فراتر از ساعات اداری به مردم خدمت کند و اگر نمی‌تواند یا نمی‌خواهد نباید این مسؤولیت را قبول کند.

■ به نکته جالبی اشاره فرمودید. من برداشتم از سخنان شما این است که حضرت امیر در دوران حکومت‌شان هر گونه می‌توانستند مشکلات و گره‌های زندگی مردم را حل می‌کردند و از هر طریق و امکانی که وجود داشت کار مردم را راه می‌انداختند و مثل ما خیلی کارها را متوقف مسائل بروکراتیک اداری نمی‌دانستند. امروز هم ما به این شیوه حکمرانی حضرت امیر بسیار نیاز داریم.

بله! بسیار نیازمندیم. ببینید تصویر و سیمای جمهوری اسلامی نزد مردم به واسطه همین ادارات شکل می‌گیرد. کسی که به یک اداره مراجعه می‌کند باید مشکلش حل شود نه اینکه با این پاسخ مواجه شود که این مشکل خودت است! به ما ربطی ندارد. این چه حرفی است؟ این چه شیوه برخوردی است؟ خب! مردم مشکل دارند که به شما مراجعه می‌کنند و شما اصلا اینجا هستید که مشکل را حل بکنید یا بعضا گفته می‌شود که برو بعدا بیا و کار مردم را به عقب می‌اندازند. اینها همان‌طوری که برای کار خودشان می‌دوند و تلاش می‌کنند و به این در و آن در می‌زنند باید برای رفع مشکل مردم هم بی‌قرار باشند و از سر جای خودشان بلند شوند و هر طور می‌شود راهکار پیدا کنند که مردم به حق‌شان برسند نه اینکه مردم را از این میز به آن میز و از این اتاق به آن اتاق حواله بدهند و امروز و فردا کنند. این مشکلی است که دولت باید آن را در صدر کارها قرار دهد و برای این کار باید کارگزارانی متعهد و توانا و مومن تربیت کند که اینها به داد مردم برسند.

■ یکی از ویژگی‌هایی که در سال‌های اخیر رهبر معظم انقلاب برای مدیران ارشد کشور ضروری دانستند، عدالت‌خواهی و مبارزه جدی با فساد و اشرافیت بوده است؛ این ۲ ویژگی در سیره حکومتی امیرالمومنین چه جایگاه و اهمیتی دارد؟

اتفاقا این ۲ ویژگی مهم، نکاتی است که امام در روزهای اول خلافت و حکومت‌شان به آن اشاره می‌کنند. حضرت در همان روزهای اول فرمودند: اَخَذَالله عَلَی العُلَماءِ اَلّا یُقارّوا عَلی کِظَّهِ ظالِمٍ وَ لا سَغَبِ مَظلوم. من که حکومت را پس از ۲۵ سال قبول کردم به خاطر همین ۲ مطلب بوده است. یکی اینکه جلوی افراد ظالم و ویژه‌خوار را که در حکومت هستند و از مناصب خودشان سوءاستفاده می‌کنند و ویژه‌خواری می‌کنند و بیشتر از حق‌شان بر می‌دارند و مردم را می‌چاپند، بگیرم. و فرمود: و لا سغب مظلوم؛ به داد مظلومان می‌خواهم برسم. گرسنگی و فقر مظلومانی که بر اثر بی‌عدالتی گرفتار شده‌اند، من برای این کار آمده‌ام. ببینید! حضرت اهل تقوا و زهد و عبادت و بسیاری از ویژگی‌های دیگر هم هست اما هدف اصلی حضرت از قبول حکومت، مبارزه با ظالمان و مترفان و ویژه‌خواران و سوءاستفاده‌کنندگان از بیت‌المال و دفاع از حقوق مظلومان و محرومان بود. در پرتو این ۲ مساله تمام مسائل را می‌توان اصلاح کرد. این ۲ مساله یعنی بی‌عدالتی و فساد ۲ مانع اصلی برای حکومت اسلامی است. مسؤولان ارشد جمهوری اسلامی باید توجه کنند که جلوی افراد قلدر اقتصادی که می‌خواهند ویژه‌خواری بکنند را بگیرند و به داد مظلومان برسند و اوضاع محرومان را سامان دهند.

■ پس بین ویژگی‌های حکومت علوی این ۲ ویژگی یعنی عدالت‌خواهی و مبارزه با فساد برجستگی ویژه‌ای دارد.

اصلا حضرت فقط همین ۲ ویژگی را مطرح می‌کنند. حضرت جنبه‌های معنوی و عرفانی و اخلاقی را مطرح نمی‌کنند. حضرت می‌گویند من برای این ۲ نکته حکومت را پذیرفته‌ام که در ذیل این ۲ نکته می‌شود تمام مشکلات و مسائل را حل کرد.

■ این توصیه‌ها و دستورات حکومتی حضرت امیر در نهج‌البلاغه که در خطبه‌ها و نامه‌های حکومتی مثل نامه به مالک اشتر منعکس شده است برای امروز جمهوری اسلامی و مسؤولان کشور چه کاربردی می‌تواند داشته باشد؟

از نظر بنده اصلا تمام مسائل اجتماعی ما باید در پرتو و ذیل این دستورات باشد. امام در نهج‌البلاغه که در دوران حکومت حضرت صادر شده، تمام این ریزه‌کاری‌ها را در زمینه نحوه عملکرد حاکم اسلامی فرموده‌اند. خیلی نکات مهمی وجود دارد. کارگزاران و مدیران اسلامی هم موظفند با مردم مهربانی کنند و هم موظفند قاطعیت داشته باشند. نباید کارگزار تحت تاثیر معاونان خودش و دیگران قرار بگیرد که آنها به او دیکته کنند. او باید خودش به مسائل اشراف داشته باشد و از نزدیک با مشکلات و گرفتاری‌های مردم آشنا باشد و رفع مشکلات مردم را دنبال کند. اجازه ندهد دیگران به خاطر اهداف مادی و منافع شخصی حق مظلومان را از بین ببرند. این یکی از مهم‌ترین اصول حکمرانی است. امام دستورات و قوانین و اموری را فرموده‌اند که امروز باید تک‌تک آنها را مدنظر قرار داد. مرکز پژوهش‌های مجلس باید با حوزه و دانشگاه در این زمینه کار و این مطالب گرانبها را استخراج کند و در اختیار مدیران دولتی و مدیران ارشد حکومت قرار دهد.

■ در مصاحبه‌ای که چندی پیش با «وطن‌امروز» داشتید، بیان کردید نهج‌البلاغه و دستورات حکومتی آن باید جزو قوانین کشور شود. به نظر شما چقدر از دستورات حضرت در نهج‌البلاغه امروز چه در مرحله قانون و چه در مرحله اجرا در کشور جاری است؟

به نظر بنده خیلی کم! متاسفانه در این زمینه خیلی کم‌کاری شده است. چه در زمینه پژوهشی و قوانین و چه در زمینه اجرا کم‌توجهی شده است. ببینید! ما در سال‌های گذشته تذکرهایی دادیم و یادآوری‌هایی کردیم و به مدیران ارشد حتی نامه‌هایی نوشتیم ولی متاسفانه اینها اینقدر گرفتار مسائل خودشان هستند که حتی نمی‌رسند به این مسائل فکر کنند. حتی گاهی جواب نامه‌های ما را هم نمی‌دهند. طرح‌هایی را به اینها ارائه می‌کنیم و حتی یک جواب به ما نمی‌دهند. تا وقتی تعهدی نسبت به نهج‌البلاغه و دستورات امیرالمومنین نباشد، مشکلات ما حل نمی‌شود و کارهای‌مان سامان نمی‌پذیرد.

کلیدهای بهره‌مندی از شب قدر

حجت‌الاسلام محمدمهدی ماندگاری
کارشناس مسائل مذهبی

ورود به شب‌های قدر نیازمند آمادگی و تمهیداتی است که قبل از آن برای فراهم کردنش باید تکاپو کرد. شما اگر اعمال مستحب شب قدر را هم نگاهی بیندازید، اینکه ورود به آن دارای آداب خاصی است و نیازمند آمادگی است را متوجه خواهید شد.

از جمله کلیدهای ورود به شب قدر، «غسل» است. این عمل مستحبی نشان می‌دهد نخستین شرط ورود به شب قدر و دریافت فیوضات الهی در این شب، «کسب طهارت» است. ادراک انوار الهی و دریافت واردات ملکوتی، با قلبی که آلوده به خباثت‌ها و چرک‌ها و تعفن‌ها باشد، امکان‌پذیر نیست.

شست‌وشویی کن و آنگه به خرابات خرام/ تا نگردد ز تو این دیر خراب آلوده

پاک و صافی شو و از چاه طبیعت به در آی/ که صفایی ندهد آب تراب آلوده

برای کسب طهارت، به غیر از غسل کردن، راه‌های دیگری هم در شریعت مشخص شده است که از آن جمله می‌توان به صدقه اشاره کرد.

خداوند در سوره توبه خطاب به پیامبر(ص) می‌فرماید: خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ؛ «از اموال آنان صدقه‌ای بگیر تا به وسیله آن پاک و پاکیزه‌شان سازی، و برای‌شان دعا کن، زیرا دعای تو برای آنان آرامشی است، و خدا شنوای داناست».

طبق این آیه، صدقه دادن موجب طهارت نفس می‌شود. پس زیبنده است مومنان از این فضیلت بزرگ و از این فرصت بی‌نظیر برای کسب طهارت استفاده کنند. این را هم در نظر داشته باشید که صدقه دادن فقط به اعطای مال نیست؛ گاهی لبخند به روی یک مومن یا نشر یک مطلب علمی و مفید هم صدقه حساب می‌شود. دایره صدقه وسعت زیادی دارد اما این هم قابل انکار نیست که صدقه مالی و گره‌گشایی از مشکلات یک انسان و شاد کردن دل او، تاثیر فوق‌العاده و ویژه‌ای در تعالی روحی و کسب طهارت نفسی دارد.

این را بدانید که اگر انسان بتواند در شب‌های قدر از کسی دستگیری کند، همین موجب دستگیری از او خواهد شد و سرنوشت و مقدراتش بر مبنای رحمت و لطف الهی مکتوب خواهد شد.

در بخش دیگری از اعمال شب قدر، شما توصیه به استغفار را خواهید دید. استغفار هم از آن شاهراه‌های کسب طهارت است. خدا رحمت کند مرحوم آیت‌الله بهجت را که مکررا به استغفار توصیه می‌کردند.

حضرت آیت‌الله بهجت قدس‌سره استغفار را در مواردی چون رفع آثار وضعی گناه، نفی خواطر، رفع کینه، ادای قرض، برطرف شدن مشکلات و گرفتاری‌های زندگی، تحمل مصائب زندگی، شفای بیماران، ایجاد علاقه بین زن و شوهر، از بین رفتن علاقه به لغویات و برطرف شدن مرگ‌های ناگهانی سفارش می‌کردند و می‌فرمودند: «استغفار هم رافع است هم دافع»؛ یعنی هم رفع‌کننده مشکلات است و هم سبب می‌شود مشکلات پیش نیاید. همه این مواردی که در اینجا گفته شد، مقدمات و راه‌های کسب طهارت بود تا قلب ما آماده دریافت فیوضات الهی در شب قدر شود.

یکی از مباحثی که در شب‌های قدر مطرح است، رفتن زیر سایه قرآن و اسماء حسنای اهل‌بیت(علیهم‌السلام) است. اینکه قرآن بر سر می‌گیریم و خداوند را به قرآن و به اسماء حسنای اهل‌بیت قسم می‌دهیم، لزوم تمسک همزمان به قرآن و عترت را برای رستگاری نشان می‌دهد. از دیگر سو، این عمل، خود نمادی از این است که «کسب معرفت» نسبت به قرآن و اهل‌بیت چقدر در ایجاد یک سرنوشت خوب و سعادتمند موثر است. معرفت کیمیایی است که بسیاری از بزرگان اهل معنا، عمر خود را برای کسب مدارج بالای معرفت وقف کردند.

در راه کسب معرفت باید بدانیم که از وساطت اهل بیت و تمسک به قرآن نباید چشم بپوشیم. در واقع این دو، ۲ بال صعود و معراج به آسمان‌های معرفت هستند، چنانکه پیامبر خدا در حدیث معروف ثقلین از آن یاد کردند:

انی تارک فیکم الثقلین کتاب‌الله و عترتی ما ان تمسکتم بهما لن تضلوا ابداً؛ کتاب‌الله فیه الهدی و النور حبل ممدود من السماء الی الارض و عترتی اهل بیتی و ان اللطیف الخبیر قد اخبرنی انهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض وانظروا کیف تخلفونی فیهما؛ «من در میان شما ۲ امانت نفیس و گران‌بها می‌گذارم؛ یکی کتاب خدا [قرآن] و دیگری عترتم اهل‌بیت را. تا وقتی که از این ۲ تمسک جویید، هرگز گمراه نخواهید شد و این ۲ یادگار من هیچ‌گاه از هم جدا نمی‌شوند تا کنار حوض کوثر بر من وارد شوند».

وجود مبارک رسول‌الله در این حدیث هم بر لزوم تمسک همزمان به قرآن و عترت تاکید فرموده‌اند، و هم بر اینکه با این ۲ هیچ گاه انسان روی ضلالت را نخواهد دید.

یکی از مهم‌ترین اعمال شب‌های قدر، دعا و مناجات است. ما نباید از این فضیلت بزرگ غافل باشیم. در روایت است که «الدعا مخ العباده»؛ دعا مغز و جان عبادت است. نیایش، یک عمل مقدس، تعالی‌بخش، نشانه فروتنی، اظهار فقر و نیاز به درگاه خداوند بی‌نیاز است. نیایش حقیقت هستی انسان را نشان می‌دهد و انسان را وارد وادی دلدادگی و محبت به خداوند می‌کند. اگر کسی نیایش را جزو برنامه‌های خود قرار بدهد، همین نیایش او را به قله‌های معرفت و عشق به خداوند می‌رساند.

بعد از بیان این موارد، باید به نکته مهمی اشاره کنم. شاید بالاترین عمل شب قدر «معرفت به ولی خدا» باشد. معرفت به واسطه بین زمین و آسمان که ولی‌الله اعظم یعنی امام زمان(عج) هستند، معرفت به اینکه اگر خدا بخواهد به ما چیزی عنایت کند با واسطه امام زمان است. باید سعی کنیم در این شب‌ها، یک جاده اتصالی بین قلب خودمان و قلب امام زمان(عج) باز کنیم و این مسیر را همیشه باز نگه داریم و با توسلات دائمی و روزانه به حضرت، آن را تقویت کنیم.

از بهترین و بلندمرتبه‌ترین ادعیه در شب‌های قدر، دعای فرج است که فرج مومنین و مومنات و فرج ما در همه مسائل و مشکلات در لوای فرج امام زمان(عج) است، لذا برای سلامتی و فرج امام زمان و فرج مظلومان عالم و گرفتاران باید دعا کنیم.

اما در پایان نکته‌ای را هم درباره شب‌های قدر امسال که به خاطر شیوع کرونا وضعیت ویژه‌تری دارد، بیان کنم. ما اعتقاد داریم همچنان که نیازهای مادی ما تعطیل‌بردار نیستند، نیازهای معنوی هم تعطیل‌بردار نیستند. مردم برای رفع نیازهای مادی در ایام کرونا، شیوه‌ها را تغییر دادند، برای نیازهای معنوی هم باید یک تبدیلی انجام شود. حتما به احیا، دعا، مناجات و شب زنده‌داری شب قدر نیاز داریم اما این احیا باید با حفظ فاصله‌ها و مراقبت‌های بهداشتی انجام شود ولی تعطیل نشود.